بررسی یک قطعنامه تحمیلی

قطعنامه 1737 شورای امنیت سازمان ملل در روز 23 دسامبر 2006 علیه ایران و با اجماع به تصویب رسید.پایه‏های‏ حقوقی و مشروعیت این قطعنامه به شدت زیر سئوال است.زیرا اساس طرح این قطعنامه و تحریم‏های آن بر این بنا استوار شده است که ایران برای صلح امنیت بین المللی تهدید است.تصویب این قطعنامه نشان دهنده فشار آمریکا بر اعضای شورای امنیت و نیز استفاده ابزاری آن کشور از سازمای ملل است.

با این وجود،اصل قطعنامه و تحریم‏های آن واقعیتی غیرقابل انکار است.مخاطب فقط ایران نیست،بلکه‏ تمامی کشورهای جهان مخاطب آنند.این قطعنامه تحمیلی چند وجه دارد.

اول،تحریم هسته‏ای و موشکی ایران

دوم،مسدود کردن دارایی‏های برخی افراد و موسسات؛

و سوم،ایجاد ساز و کاری برای نظارت بر اجرای قطعنامه و گرفتن گزارش و نیز کاستن و افزایش موارد تحریم.تعلیق‏ تنفیذ قطعنامه نیز مشروط به تعلیق غنی‏سازی از سوی ایران است.

مهم در این میان آن است که ایران بتواند ضمن نگهداری و حفظ حقوق مسلم خود در زمینه برخورداری از حق‏ غنی‏سازی تدبیری بیاندیشد و تهدید دشمن را به فرصت تبدیل کند.مسیر شورای امنیت گرچه نماد یک ظلم و بی‏عدالتی‏ آشکار از سوی جامعه جهانی است،ولی وجود دارد و باید برای عبور سلامت از آن چاره‏جویی کرد؛زیرا آثار داخلی، منطقه‏ای و بین اللملی فراوانی بر آن مترتب است و ممکن است اصل حقوق ما را زیر سئوال ببرد.